

روزاستراد استقلال کشورگرمی باد

نود وسومین سالگرد استرداد استقلال کشورگرمی باد
(صبا)

Happy Independence Day



Happy Independence Day

اقوامی که نامشان برای همیشه در تاریخ مانده است هرگز قهرمانان خود را فراموش نکردند مردمی که قهرمانان خود را فراموش کردند به فراموشی سپرده شدند و در تاریخ نامی از آنان نیست.

استراداستقلال کشوردراثرفداکاری وجانثاری فرزندان ازجان گذشته میهن بدست آمدواین درخت تنومند باخون جوانان ومبارزین ملی آبیاری شد وبارورگردیده است.

اما متاسفانه طی بیش از سه دهه جنگ وستیز، اجنبی واجنبی پرستی، چوروچپاول، خودبینی و خودبزرگی، خیانت وجنایت، وحشت وبربریت، پنهان کاری ومعامله گری، دزدی وفساد... به اوج خود رسید واین پدیده های شوم وخانمانسوزتاجای پیش رفت که عملاً استقلال ملی تمامیت ارضی وحاکمیت دولتی راتهدید نمود وفرزندان وطن راآواره وسرگردان نمودو این جنگ تباه کن ونوکری وبیگانه پرستی کشورراویرانه وملت رابخون نشاند.

بلی ! که بود می دانست که فرود یک گلوله توپ قلب چند نفر را می درد ؟ که بودکه فکرمیکرد میلیونها افغان آواره وسرگردان ودربردوبی خانمان میگردد ؟ چه کسی می دانست که هر صدای فیراسلحه، فردا به قطره اشکی بدل خواهد شد و این اشک چه جگرهایی را خواهد سوزاند ؟ که بود میدانست جنگ یعنی سوختن، ویران شدن، آرامش مادری که فرزندش را با لالایی گرمش در آغوش خود خوابانیده، نوری، صدایی، ریزش سقف خانه و سرد شدن تن گرم کودک در قامت خمیده مادرچه تاثیرداشت؟ نبود کسی که میدانست جنگ یعنی ستم یعنی آتش، یعنی خونین شدن وسرخ شدن جامه ای و سیاه شدن جامه ای دیگر. گلوله ای از میل تفنگ وباماشه کشیدن تفنگداری با سرعت شلیک می شد و در میدا به حلقومی اصابت نموده، آنرا سوراخ کرده و گذر می کرد ؛ میدانید که ؟ کدام مادر ضجه می کشد ؟ کدام پیراهن سیاه می شود ؟ کدام خواهر بی برادر می شود ؟ آسمان کدام شهر سرخ می شود ؟ کدام گریبان پاره می شود ؟ کدام کودک در انزوا و خلوت خویش از دردجانسوزی پدری اشک میریزد.

ما امروز در شرایطی از استرداد استقلال تجلیل بعمل می آوریم که تقریباً چهل کشور امپریالیستی و استعمارگر در رأس آمریکاعملا افغانستان را اشغال کرده اند. اما متأسفانه و سوگمندانۀ مردم مظلوم ما قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زنده گی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنک بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های مثنی معامله گرواجنبی را بپردازند.

مردم که با صدها مشکل در حال حاضر روزگاری گذرانند، نگران این هستند که با تداوم نا امنی ها، خدای ناکرده همانند عراق همین امنیت نسبی در بعضی از ولایات نیز، رخت بر بندد و جان و ناموس مردم بی رحمانه در مقابل هوسهای قدرت طلبانه جنگ سالاران به خطر افتد. هنوز قاچاق مواد مخدر، معادن، انبارهای اسلحه، چوروچپا و سرمایه های دولتی و شخصی، رشوت و رشوت ستانی، قتل و جنایت های تکان دهنده، دزدی و اختلاس، خویش خوری و قوم پرستی ... به پیمانۀ زیادی به چشم می خورد، با اندوه فراوان با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا نموده و قانون و دولت را زیر سوال برده اند.

از یکطرف نگرانیهای بین المللی از تشدید بحران در افغانستان و افزایش خطر طالبان، تا جایی پیش رفت که برخی از تحلیلگران حتی از احتمال بازگشت افغانستان به دوران سیاه گذشته در نتیجه افزایش خشونت طالبان و کم توجهی بین المللی به این کشور سخن گفته اند. فساد اداری، مواد مخدر، تروریسم، فقر، نا امنی، فقدان اشتغال مشکلات با همسایه ها، حاکمیت جنگ سالاران و نظایر آن همچون یک نظام پیوسته به هم عمل می کنند. اما با تمام این ها موردی بر خورد می شود و تنها راه حل پیشنهادی نیز از طریق نظامی و امنیتی جستجو می گردد. تقویه پولیس ملی و اردوی ملی، همین ویس. در حالیکه حوادث تروریستی آشکار ساخت که با وجود مصارف زیاد و وعده های زیاد تر، نه پولیس ملی داریم و نه اردوی ملی. کوشش در جهت ایجاد اردوی ملی و همزمان با آن احیای ملیشه بازی و در پهلوی آنها توسل به شیوه های ناکام جرگه سازی. پذیرش مصلحت هایی که هر کدام دارند همان نتایجی را در بر دارد که تا حال داشته است و تازمانی که مصلحت و روزگزرانی اساس کار و سیاست باشد، که هست، هیچ نشانه ای از بهبود را نخواهیم دید. دولت خود را به مصالح گروه های گوناگون متعهد می داند و بر همین اساس رو زانه بر نامه می سازد. با قدرتمندان درون دولت، با قوماندانان محلی، نیروهای محافظه کار، با جامعه جهانی و ... و بر آیند آن نیز همین است که هست. در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمی گیرد و نقشی را که می تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم افغانستان است که از فقر و مرض و بی سر پناهی و بیکاری رنج می برند.

فعالیت القاعده، طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، چالش نخست در برابر آینده است و پس از آن، وجود جنگ سالاران و گروههای مسلح تنظیمی مشکلات عمده پیش روی کشور هستند و مواد مخدر، به عنوان چالش دیگر در برابر دولت قرار دارد و بدبختانه دولت نیز بخاطر بیرون رفت از مشکلات موجود راه های بیرون رفت راجستجو نکرده و خودنیز عملن در همدستی و همیاری با جنایت کاران قدرت طلب و پول پرست به مشکلات موجوده می افزاید.

دولت در مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر، حساب دهی از کمک های جامعه جهانی، جذب اعضای گروه های مجاهدین در تشکیلات اردو و پولیس ملی و همچنین استخدام آنان در تمامی ادارات دولت در داخل و خارج، جلوگیری از تبلیغات علیه جهاد و مقاومت. اگر این شروط کالبدشکافی گردد قبول آنها نتیجه ای جز پذیرفتن حاکمیت عده ای خاصی نیست.

اگر جنایتکاران و گروپهای که تحت نام جهاد و مقاومت ستمهای فراوانی که بر ملت روا داشته اند به خاطر خیانتها و جنایتهای بیشماري که مرتکب شده اند به پای میز محاکمه کشیده نشده و مخصوصاً میلیون ها دالری ذخیره و انباشته اند از حلقوم شان بیرون نشود در واقع هیچ کاری علیه آنان صورت نگرفته است و قادر خواهند بود با پول بی حساب خود به هر رذالت و ترور و توطئه و تقلب دست بزنند. ولی متأسفانه سازش و سازشکاری چون گذشته ادامه پیدا کرده است .

بیاید با خودی اندیشیم که طی تقریباً یک قرن از اصول استقلال مابه وطن و مردم وطن چه کرده ایم و همین اکنون تاجه حدودی مالک کشور و صاحب استقلال و تمامیت ارضی کشور ما هستیم .

زنده آنانی اند که بیکار می کنند آنانی که جان و تنشان از عزمی راسخ آکنده است آنانی که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می روند آنانی که با اندیشمندی بسوی هدفی عالی ره می پویند و روز و شب پیوسته وظیفه ای مقدس دارند .